

گفت و گو با مقصود فراستخواه جامعه شناس درباره مدیریت اجتماعی کرونا

سازمان های اجتماعی، بازیگران غایب در مدیریت بحران کرونا



پرستو رفیعی خبرنگار

گفت و گو با مقصود فراستخواه جامعه شناس و استاد دانشگاه را در شرایطی می خوانید که خیز چهارم بیماری کرونا را در کشور پشت سر گذاشته ایم، اما چالش ها و مشکلات اجتماعی و اقتصادی ناشی از آن همچنان باقی مانده است. این درحالی است که کارشناسان حوزه بهداشت و درمان کشور همچنان از ناپایداری شرایط و احتمال وقوع موج پنجم بیماری آن هم با گونه های جهش یافته کووید۱۹ خبر می دهند. تاجایی که دبیر کمیته علمی کشوری کرونا در این باره می گوید: «پیش بینی ما این است که در صورت وقوع

پیک پنجم کرونا با نوع هندی ویروس که سرعت سرایت بسیار بالایی دارد، مواجه خواهیم بود.» در چنین وضعیتی آغاز واکنش ناسیون افشار آسیب پذیر که توانسته بود بارقه امید را در دل بسیاری از افشار جامعه ایجاد کند به دلیل کمیت ناچیز نتوانسته به ایمن سازی عمومی در جامعه منجر شود از سوی دیگر هنوز از تأثیر واکنس در برابر ویروس های جهش یافته کووید اطلاعات درستی در دست نیست. بنابراین برای دستیابی به کاهش خیزهای متناوب اپیدمیک ویروس، قطع زنجیره انتقال آن و در یک کلام کنترل بیماری کرونا در جامعه، یافتن راه حل رفع کاستی های موجود در اجرای پروتکل های بهداشتی مؤثر به نظر می رسد.

بهداشتی را جدی نمی گیرند. به طوری که در یک کلام می توان گفت رعایت حقوق شهروندی، اهمیت خود را در جامعه از دست داده است. شما این موضوع را چگونه تحلیل می کنید؟

حقیقت این است که شرایط ناسامان برجای می گذارد. از این رو موضوع بسیار پیچیده تر از آن است که انگشت اتهام را به سوی بخشی از جامعه بگیریم و یا در شرایط فعلی بتوانیم با پیامک ها یا تیزرهای تبلیغاتی مجموعه این کلیت را تغییر دهیم. یک سال و چند ماه است که کرونا به عنوان یک مشکل جهانی زندگی مردم جهان و از جمله کشور ما را تحت تأثیر قرار داده است. در همین مدت برخی ابتدا طرح موضوع بیماری را یک توطئه و انمود می کردند. گروهی از جامعه با همه توان به آگاه سازی مردم می پرداختند و به دنبال راه حل بودند. بخشی دیگر اما آن را دسیسه ای برای مانع تراشی در مسیر فعالیت های اقتصادی و اجتماعی مردم معرفی می کردند. از سوی دیگر رسانه های رسمی با اخبار ضد و نقیض اعتماد عمومی را کاهش داده بودند. نهادهای اجتماعی ومدنی مردم نهاد هم که ضعیف نگاه داشته شده اند کاری از پیش نبرند. در چنین شرایطی متأسفانه نوع رفتارهای پرخطر گروه هایی از جامعه ما هم مانند جوامع دیگر به این عوامل اضافه شده است. بخش هایی از جامعه متأسفانه از اوضاع ناسامان و کیفیت نامطلوب ساختارها و عملکردها و رویه ها سرخورده شده اند و برخلاف گذشته در کارهای جمعی همکاری و همبستگی لازم نشان نمی دهند. مجموعه این عوامل باعث شده با جهش جدید ویروس ما با مشکلات فعلی در جامعه مواجه شویم. از سوی دیگر در این شرایط کسانی

نیز همه انگشت اتهام را به سوی دستگاه های اجرایی یا مردم نشانه گرفته اند و هدف های انتخاباتی دارند. ناشانی غلط به جامعه می دهند و اتفاقا به بی اعتمادی های می افزایند. ■ همان طور که گفتید در شرایط فعلی فردگرایی بر جمع گرایی اولویت یافته و هرکس می خواهد خودش را حفظ کند. از سوی دیگر تقدیرگرایی هم به بخشی از تفکرات ذهنی گروهی از جامعه تبدیل شده به گونه ای که برخی با این تفکر که هرچه خدا بخواهد همان می شود دیگر برای نجات جان خود یا اطرافیان تلاش نمی کنند و رعایت پروتکل های

رشد می کند. تدبیرگرایی که ضعیف می شود. عادی انگاری، تقدیرگرایی و روزمرگی رشد می کند و جامعه در شرایط نابسامانی قرار می گیرد.

از سوی دیگر سیاست ها و ساختارها سبب فرسایش سرمایه های اجتماعی شده و این یکی از علل تقدیرگرایی به شمار می آید. سرمایه اجتماعی در اعتماد، همدلی و مشارکت اجتماعی معنا می یابد. اعتماد تک تک افراد به یکدیگر به قوانین و سیاست های اجتماعی و اقتصادی و دریک کلام به همه موضوعات جامعه، سرمایه اجتماعی است. بنابراین یکی از مهم ترین عوامل حفظ سرمایه های اجتماعی اعتمادسازی و شفاف سازی است. طبق تحقیقاتی که شخصا انجام داده ام و تحقیقات همکارانم، اعتماد اجتماعی، همدلی

سرمایه اجتماعی در اعتماد، همدلی و مشارکت اجتماعی

معنای یابد. اعتماد تک تک افراد به یکدیگر به قوانین و

سیاست های اجتماعی و اقتصادی و در یک کلام به همه

موضوعات جامعه، سرمایه اجتماعی است. بنابراین یکی از

مهم ترین عوامل حفظ سرمایه های اجتماعی اعتمادسازی و

شفاف سازی است. طبق تحقیقاتی که شخصا انجام داده ام

و تحقیقات همکارانم، اعتماد اجتماعی، همدلی اجتماعی،

مشارکت اجتماعی و در یک کلام سرمایه های اجتماعی در حال

فرسایش است و علت اصلی آن سیاست های نادرست و

بی توجهی به متن جامعه و مشارکت ندادن گروه های اجتماعی،

تضعیف نهادهای مدنی ومحلی و تمرکزگرایی بود

بدون رعایت پروتکل ها برای تهیه نان شب قدم در خیابان های شهر می گذارند چون متأسفانه اوضاعی طی سال ها به وجود آمده که راهی برای حفاظت از خانواده شان جز این نمی بینند. در مورد تقدیرگرایی باید بگوییم که هنگامی که تدبیرو سنجش گری و خردورزی کم رنگ شود تقدیرگرایی در جامعه رشد می کند. یعنی هنگامی که آقایان مسئولیت رفتار خود را نمی پذیرند و به سخنان کارشناسان، عقلای جامعه و افراد ذیصلاح توجه نمی کنند و نهادها و سیستم ها عقلانی رفتار نمی کنند، خرد وزی ضعیف می شود و تقدیرگرایی

احساس خوداثر بخشی ندارند و گمان می کنند که هیچ کاری از دستشان برنمی آید به همین دلیل تقدیرگرا می شوند. این وضعیت در جامعه، مشکلات بسیاری را به همراه خواهد آورد بنابراین باید مانع از بروز آن شد یا میزان گسترش آن در جامعه را به حداقل رساند.

■ برای رهایی از تقدیرگرایی وعادی انگاری نیازمند اعتمادسازی در جامعه هستیم به نظر شما در شرایط کنونی برای جلب اعتماد عمومی مردم چه باید کرد؟

تهیه واکنس یکی از راهکارهای رهایی از مشکلات فعلی و همچنین اعتمادسازی است. متأسفانه ما در تهیه واکنس و واکنش ناسیون مردم جزو کشورهای موفق نبوده ایم. ایجاد تردیدهای سیاسی اولیه در تهیه واکنس و بلاتکلیفی ها و تأخیرهایی که بر اثر آن به وجود آمد و محدودیت ها و شرایط ناشی از تحریم ها باعث شد ما نتوانیم در این زمینه موفق عمل کنیم، البته در کشور اقداماتی برای تهیه واکنس ایرانی صورت گرفته است. همه ما علاقه مند هستیم که کشور ما در این دانش وفناوری پیشرفت کند. ساخت واکنس در کشور زیرساختی ماندگار است که می تواند برای آیندگان سرزمین ما شرایط مطلوبی را فراهم کند. اما امروز نمی توان تنها به این موضوع اتکا کرد و باید سرعت واکنس مورد نیاز کشور تهیه شود و روند واکنش ناسیون هم بدرستی و در نهایت سرعت صورت بگیرند تا مردم در معرض کمترین آسیب قرار بگیرد. در حال حاضر تهیه واکنس یکی از فوری ترین و مهم ترین نیازهای کشور و راهکاری مهم برای جلب اعتماد مردم و جلب همکاری انسان های متخصص و مستقل به شمار می آید. در حقیقت تهیه واکنس و واکنش ناسیون سریع و درست گروه های هدف و افشار آسیب پذیر یکی از راه های جلب اعتماد مجدد است. ایجاد یک جنبش جدی مدیریتی در زمینه اطلاع رسانی از نحوه تهیه واکنس و واکنش ناسیون در ایجاد اعتماد اجتماعی بسیار اثرگذار خواهد بود، چون با اعلام بموقع زمان تزریق واکنس مردم در بلاتکلیفی خارج می شوند و بسیاری از مشکلات رفع می شود.

■ موازره در همه جوامع، نهادهای مدنی و تشکل های مردم نهاد نقش حلقه واسط بین مردم و دولت را ایفا می کنند. یکی از وظایف این نهادها وتشکل ها آماده کردن مردم برای مواجهه با بحران های نظیر بحران کرونا است. متأسفانه در شرایط فعلی نبود این نهادها یا حضور کم رنگ آنها دولت ونظام سلامت کشور را با چالش های جدی مواجه کرده است. به نظر شما این نهادها بقدر می توانند در حل مشکلاتی که دولت با آن مواجه است و مردم با آن دست به گریبان هستند نقش داشته باشد؟

وجود سازمان های مدنی و تشکل های مردم نهاد در جامعه نقش مهمی در گذر از این بحران برعهده دارند، چرا که حتی قوی ترین دولت ها هم نمی توانند به تنهایی کشور را اداره کنند. همه کشورها در دنیا اگر به موفقیتی دست می یابند بخش مهمی از آن را به بخشی از جامعه به نام بخش سوم مدیون هستند. بخش سوم را واحدهای مدنی، فعالیت های عام المنفعه و داوطلبانه، تشکل ها و سازمان های مردم نهاد و مشارکت های مردمی تشکیل می دهند.

سازمان اجتماعی برعکس سازمان های دولتی با هزینه های کمتر امکان فعالیتی اثرگذارتر دارند؛ در واقع قوی ترین و کارآمدترین دولت ها در جهان نیز در عهده اداره یک جامعه پیچیده و سرشار از انواع مخاطرات زیستی بومی، اجتماعی، اقتصادی، نژاد پرستی، خشونت و انواع و اقسام مشکلات امروزی و شرایطی که بشر با این دست به گریبان است برنمی آید. چنین جوامعی برای رسیدن به موفقیت نیازمند حمایت سازمان های درون زای اجتماعی هستند. درواقع جامعه بدون کمک نهادهای مدنی به تنها از پس حوادث طبیعی نظیر سیل وزلزله و شیوع انواع بیماری ها برنمی آید بلکه در مدیریت اجتماعی وفرهنگی هم دچار مشکل می شود؛ از این رو باید سازمان های اجتماعی فعال شوند و به کمک دولت بشتابند. سازمان اجتماعی یعنی نهادهای غیردولتی و مردمی، البته باید این سازمان ها از سوی دولت هم حمایت شوند تا بتوانند رشد کنند و بدرستی به وظایف خود عمل

بین مدیران افرادی هستند که برای مهار بیماری و نجات جان افراد جامعه فراتر از مسئولیت ووظایف خود بسیار تلاش کرده اند. دانشمندان وپزشکان مادر مراکز تحقیقاتی و آزمایشگاهی بسیار زحمت کشیده اند. پزشکان و کادر سلامت واقعا جانفشانی کرده اند؛ نهادهای مدنی، رسانه ها و حتی افراد مختلف جامعه از طریق شبکه های اجتماعی همه و همه تلاش کردند تا بتوانیم از این بحران عبور کنیم. به طور کلی همه افشار جامعه بسیار تلاش کرده اند و موفقیت هایی هم داشته اند، اما باید بگویم در شرایط کنونی و پس از گذشت بیش از یکسال از شیوع بیماری در کشور، تمرکزگرایی بیش از حد تاب آوری جامعه را کاهش داد. همه اتفاقات کشور در پایتخت رفع و رجوع می شود. این در حالی است که باید در سراسر کشور اختیارات محله ای ومنطقه ای ایجاد شود تا صلاحیت ها توسعه یابد. تشکیل نظام مدیریت محلی در استان به استان وشهر به شهر و حتی منطقه به منطقه باعث می شود با توجه به شرایط متنوع اقلیمی، آب وهوایی، فرهنگی و حتی اقتصادی این کشور پهناور، تصمیمات جامع و اثرگذار گرفته شود

عملیاتی شود، حتی برای تهیه واکنس هم می توانیم با بررسی پیشنهادها به راه حل های سریع و اثرگذار دست پیدا کنیم تا گروه های آسیب پذیر و گروه های هدف به سرعت با استفاده از واکنس ایمنی ودرست آورند و جامعه از این وضعیت بحرانی خارج شود. بنابراین یک جنبش جدی مدیریتی می تواند مردم را از شرایط بحرانی امروزی نجات دهد، است که فعالیت انفرادی افراد جامعه اثربخشی لازم را ندارد و باید نهادهای مدنی متخصص که توانایی ساماندهی ومدریت ارسال کمک های مردمی را دارند و این وظیفه را به بهترین شکل انجام می دهند نقش آفرینی کنند تا به نتیجه مطلوب دست پیدا کنیم؛ در واقع طی سال ها تضعیف نهادهای مدنی باعث شد تا ما به اندازه برخی از کشورهای نظیر خود در مقابله با کووید۱۹ موفق نباشیم. کووید۱۹ درس بزرگی برای جامعه ما بود. اتفاقات پیش آمده، مرگ و میر ناشی از کووید۱۹ و اندوه های ابراز نشده تا سالیان دراز در روان جامعه رنجوری ایجاد خواهد کرد و ما تا سالیان طولانی با آثار مشکلاتی که تحمل کرده ایم دست به گریبان خواهیم بود. این درحالی است که حضور نهادهای قدرتمند مدنی و تشکل های مردم نهاد در میدان می توانست از میزان این رنجوری کاسته و مانع آسیب های فعلی شود.

رسانه ها و حتی افراد مختلف جامعه از طریق شبکه های اجتماعی همه و همه تلاش کردند تا بتوانیم از این بحران عبور کنیم. به طور کلی همه افشار جامعه بسیار تلاش کرده اند و موفقیت هایی هم داشته اند، اما باید بگویم در شرایط کنونی و پس از گذشت بیش از یکسال از شیوع بیماری در کشور، تمرکزگرایی بیش از حد تاب آوری جامعه را کاهش داد. همه اتفاقات کشور در پایتخت رفع و رجوع می شود. این درحالی است که باید در سراسر کشور اختیارات محله ای ومنطقه ای ایجاد شود تا صلاحیت ها توسعه یابد. تشکیل نظام مدیریت محلی در استان به استان وشهر به شهر و حتی منطقه به منطقه باعث می شود با توجه به شرایط متنوع اقلیمی، آب وهوایی، فرهنگی و حتی اقتصادی این کشور پهناور، تصمیمات جامع و اثرگذار گرفته شود.

■ از آنجایی که ممکن است این بیماری تا مدت های طولانی در جامعه باقی بماند برای جلب مشارکت نهادهای مدنی و سازمان های مردم نهاد چه باید کرد؟ باید مسئولان کشور دست همکاری به سوی تشکل های مردم نهاد و نهادهای مدنی بلند کنند و از آنها بخواهند فعالیت های اثرگذار را رسماً به مردم معرفی کنند. همچنین باید شرایط جلب همکاری نهادهای مدنی فراهم شود، به این معنا که موانع تأسیس و کارکرد مؤثر مراکز مردم نهاد حرفه ای برطرف شده و شرایطی مهیا شود که این نهادها بتوانند قوی و حرفه ای فعالیت کرده، جامعه را مدیریت کنند، اگر اختیارات به دست افراد کاردان و شایسته سپرده شود، آنها بیشتر تلاش خواهند کرد. مردم هم با آنها آشنا می شوند و همکاری ها نزدیک تر، جدی تر و البته اثرگذارتر شکل می گیرد. به طور کلی باید بگویم ما در شرایط فعلی و برای عبور از بحران با کمترین آسیب نیازمند جلب اعتماد مردم هستیم، پس باید همانگونه که بر نقاط قوت تأکید می شود، نقد اشتباهات گذشته نیز صورت بگیرد تا بتوانیم با رفع آن قوی تر از گذشته گام برداریم؛ در این راستا می توانیم حتی از نهادهای مدنی و مردم نظرسنجی کنیم. به عبارت ساده تر می توانیم با راه اندازی شبکه ای از مردم بخواهیم پیشنهاد های خود را برای عبور از بحران ارائه دهند؛ با این کار می توانیم پویشی اثرگذار و ملی ایجاد کنیم. براساس این پویش و کمپین اجتماعی راه حل های پیشنهادی بررسی شوند و بهترین و کارآمدترین آنها

ایران رنگین کمانی است از انواع فرهنگ ها، پس باید اجازه رشد خلاقیات ها و ابتکارها به افراد و نهادهای بومی صاحب صلاحیت داده شود؛ باید از ظرفیت آنها برای پیشبرد اهداف کشور بخصوص در تکنگاهایی مانند امروز که بیماری کرونا توانسته شرایط زندگی را بر مردم جامعه سخت کند استفاده کنیم. استفاده از قابلیت های اجتماعی هر منطقه و استان و جلب مشارکت متخصصان و کارشناسان در کنار بهره مندی از نگاه های انتقادی به تشخیص و اصلاح اشتباهات و تأخیرها و کم کاری هایی که در گذشته صورت گرفته کمک می کند و به تقویت نقاط قوت منجر می شود.